

Intertextual Analysis of Reflection of Quranic Concepts and Elements in Qaboosnameh Based on Gerard Genette's Theory

Ebrahim Danesh*

Faramarz Jalalat**

Abstract

Quran's role in the development of Islamic-Iranian literature and civilization is undeniable. An example of this influence is the reflection of the Quran in the content, form, and language of Qaboosnameh led to its richness in many aspects. This paper has investigated intertextual relationships of the Quran and Qaboosnameh in a descriptive-analytical method based on Gerard Genette's theory, and by providing textual evidence, has concluded that the abundance of Quranic themes, wisdom, allegories, and vocabulary in Qaboosnameh indicates the literary, stylistic and linguistic influence of Quran and Onsorolma'ali's proper use of them in his work. In compliance with the universal educational method of the Quran, despite addressing his son, by creating linguistic, cultural, and thematic diversity, he has addressed all human beings and benefited them from Quranic knowledge. He has used the Quranic wisdom in proportion to chapters, subjects, and audiences in various intertextual ways and expressed them in simple and delightful language. Qaboosnameh's great intertextual relationship with Quran is obtaining, continuing, and extension of its teachings. As a prominent text in Islamic culture and literature, this book has played a media role in the

* Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (Corresponding Author), e.danesh@uma.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Persian Language & Literature, Ardabil branch, Islamic Azad university, Ardabil, faramarz.jalalat@gmail.com

Date received: 2023/02/21, Date of acceptance: 2023/05/06



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

literary and artistic transferring of the Quran's doctrinal, social, and cultural teachings to Persian speakers.

Keywords: Intertextuality, Concepts, Elements, Holy Quran, Qaboosnameh, Genette.



تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در قابوس نامه براساس نظریه ژرار ژنت

ابراهیم دانش*

فرامرز جلالت**

چکیده

نقش قرآن کریم در تکوین ادبیات و تمدن اسلامی-ایرانی انکارناپذیر است. از نمونه‌های این تأثیر، بازتاب قرآن کریم در محتوا، فرم و زبان قابوس نامه است که موجب غنای آن از جنبه‌های مختلفی شده است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، با ارائه شواهد متنی به بررسی روابط بینامتنی قرآن کریم و قابوس نامه بر اساس نظریه ژرار ژنت پرداخته، به این نتایج دست یافته که وفور موضوعات، حکمت‌ها، تمثیلات و واژگان قرآنی در قابوس نامه نشان‌دهنده تأثیر محتوایی، ادبی، سبکی و زبانی قرآن کریم و استفاده بجای عنصرالمعالی از آن‌ها در اثر خویش است. وی در تبعیت از شیوه تعلیمی-تربیتی جهان‌شمول قرآن کریم با وجود مخاطب قراردادن فرزندش، با ایجاد تنوع زبانی، فرهنگی و موضوعی، کل‌آبناء بشر را مخاطب قرارداده، از معارف قرآن بهره‌مند کرده است. او از آموزه‌های حکمت‌آمیز قرآن کریم به تناسب ابواب، موضوعات و مخاطبان، به شیوه‌های گوناگون بینامتنی استفاده و آن‌ها را به زبانی ساده و تأثیرگذار بیان کرده است. رابطه کلان قابوس نامه با قرآن کریم، اخذ، تداوم و اشاعه آموزه‌های آن است. این کتاب به عنوان متنی برجسته در فرهنگ و ادب اسلامی، نقشی رسانه‌ای در انتقال ادبی و هنری آموزه‌های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی قرآن کریم به فارسی زبانان ایفا کرده است.

* استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
(نویسنده مسئول)، e.danesh@uma.ac.ir

** استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران،

faramarz.jalalat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۵



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت، مفاهیم، عناصر، قرآن کریم، قابوس‌نامه، ژنت.

۱. مقدمه و طرح مسئله

قرآن کریم میراث پیامبر گرامی اسلام (ص) برای تمام انسان‌ها از هر قوم، ملت، زبان و مذهب و «کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیّت و مربّی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله» (فهری، بی‌تا: ۱۰۱)، برای جمیع طبقات و قاطبه سلسله بشر است. از آنجایی که بشر در حالات قلوب و عادات و اخلاق و ازمنه مختلف‌اند (همان: ۱۰۳) قرآن با هر گروهی به زبان و فهم آن گروه و متناسب با حال و مقامشان سخن می‌گوید و مثال می‌آورد. پیامبر گرامی اسلام (ص) در باب اهمیّت این مصحف شریف می‌فرماید: «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلٰی سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ الرَّحْمَنِ عَلٰی خَلْقِهِ» (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۲/۲۱۴). امام سجاد (ع) نیز می‌فرماید: «آیَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنٌ فَكُلَّمَا فُتِحَتْ خَزَائِنَةٌ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا» (کلینی، بی‌تا: ج ۴/۴۱۲).

قرآن منبع تعالی روحی است که لذّت و ترس را توأمان به قلب مؤمن وارد کرده، انسان را به سخن گفتن نهران با خداوند تبارک و تعالی می‌رساند (شیمل، ۱۳۸۱: ۱۹۴). ادبای مسلمان به ندای «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ تَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ وَ أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْقَصَصِ» (الشّریف‌الرّضی، ۱۴۲۵: ۱۵۵)، گوش جان فراداده، با قرآن انس گرفته، حیات، اخلاق، زبان و آثار خود را به کلام گهربار الهی آراسته‌اند. نتیجه این انس، شکل‌گیری آثار ادبی ارزشمندی است که فرم و محتوای آن‌ها رنگ و بوی الهی و اسلامی دارد و مخاطب آشنا به این آبشخورها می‌تواند به نحوه تأثیرپذیری و رابطه بینامتنی متن ادبی با آن آبشخورها پی‌ببرد. از نمونه‌های این تأثیرپذیری می‌توان به امثال و حکم قرآنی سائر و داخل در زبان و فرهنگ اعراب و ایرانیان اشاره کرد (الثعالبی، ۲۰۰۳: ۲۲-۲۳).

پیروان قرآن کریم از این منبع فیاض الهی استفاده‌های گوناگونی و در هرباب و موضوعی آن را مستشار مؤتمن خویش قرار داده، جوانب مختلف حیات فردی و اجتماعی خود را به نور ارشاد آن روشن می‌کنند؛ بنابراین هیچ مخاطبی از این متن بی‌انتها و سفره پربرکت، دست خالی و نومید بازمی‌گردد و هر کس به تناسب شرایط، احوال و نیازهای جسمی، عقلی و روحی خود، از لایه‌های مختلف آن بهره می‌گیرد. آنان که طفلان راهند از قرآن لذت ظاهر می‌یابند و آنان که به کمال رسیده‌اند، در معانی قرآن تفرّج کرده، به فهمی عمیق‌تر می‌رسند (مولوی، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۶۵

آیات قرآن از چنان فصاحت، بلاغت و نفوذی برخوردار است که آن کس که به زبان قرآن تکلم کند از هر زبان دیگری بی‌نیاز خواهد شد. چنان که گفته‌اند: دبیر «چون قرآن داند به یک آیتی از عهده ولایتی بیرون آید» (نظامی عروضی، ۱۳۳۱: ۲۲).

تأثیر همه‌جانبه قرآن بر تحوّل و تکامل ادبیات و هنر اسلامی-ایرانی چنان مشهود و انکارناپذیر است که خوانش فعال متون ادبی پدیدآمده در پهنه فرهنگ و تمدن اسلامی منجر به کشف و درک رسوخ و حضور گسترده زبانی، بیانی، اندیشگانی و سبکی قرآن در کالبد این متون و انکشاف ذهنی مخاطب و راهیابی وی به سرچشمه‌های قرآنی آن و نیل به درک و فهمی کامل می‌شود.

در تاریخ نثر فارسی قابوس‌نامه حکیم عنصرالمعالی از کتاب‌های پراهمیت ادب تعلیمی محسوب می‌شود و این اهمیت را علاوه بر نبوغ ادبی و اطلاعات گسترده نویسنده کتاب، مرهون مناسبات بینامتنی با قرآن و جذب مؤلفه‌های صوری و محتوایی آن و به اشتراک گذاشتن این دانش با مخاطبان فارسی زبان به بیانی ساده و نافذ در فرایند گفتگوی متن و مخاطب است.

۲. پیشینه و ضرورت پژوهش

درباره نقش بینامتنی قرآن کریم در تکوین فرمی و محتوایی قابوس‌نامه تاکنون پژوهشی انجام نشده است؛ اما برخی از پژوهش‌ها که درباره قرآن و متون ادب فارسی و قابوس‌نامه انجام شده، از این قرارند:

نویسندگان مقاله «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور» به این نتیجه رسیده‌اند که: وی به صورت آشکار و پنهان از مضامین، معانی و واژگان قرآن کریم استفاده کرده است (کیانی و همکاران: ۱۳۹۲: ۱۵).

نویسندگان مقاله «تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت» برآنند که عبارات معنایی و اعلام قرآنی در شعر وی از آنجایی که رنگ و روی عرفانی می‌یابد بیشتر در حوزه بینامتنیت ضمنی است (یلمه‌ها و رجبی، ۱۳۹۶: ۵۶).

نویسندگان مقاله «مفاهیم اجتماعی در قابوس‌نامه» معتقدند: برخی از سیستم‌ها، نهادها، قوانین و اصول غربی اغلب ریشه‌های تاریخی در فرهنگ و مذهب ایران دارد (مقدّس جعفری و گروسی، ۱۳۷۶: ۱۱۶).

نویسنده مقاله «بررسی و تحلیل نوع خانواده و ارکان آن در قابوس‌نامه با عنایت به دیدگاه‌های اسلام و نظرات جامعه‌شناسان» معتقد است: عنصرالمعالی در رابطه با حقوق خانواده بسیار تحت تاثیر نظام تربیتی اسلام است (اسعدی، ۱۳۸۷: ۱۵).

نویسندگان مقاله «بررسی مؤلفه‌های ادب زبانی در قابوس‌نامه بر اساس نظریه براون و لوینسون» نتیجه گرفته‌اند که: در قابوس‌نامه تحت تاثیر آموزه‌های اجتماعی اسلامی-ایرانی مؤلفه‌های اجتماعی ادب زبانی چشمگیر است (دانش و طوسی نصرآبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

روبن لوی در مقدمه کتاب «آئینه‌ای برای شاهزادگان»، قابوس‌نامه را آمیزه‌ای از توصیه‌های معلمی مردمی، رهبری سیاسی و دستورالعمل‌های اخلاقی می‌داند (Onsorolma'ali, 1951: ix).

قابوس‌نامه یکی از آثار مهم و برجسته نثر فارسی است که بخش اعظم غنای محتوایی و علو ادبی خود را مدیون تاثیرپذیری بینامتنی از محتوا، ادبیت، سبک و زبان قرآن کریم است. با این همه تاکنون پژوهشی پیرامون ارتباط بینامتنی این دو متن انجام نشده است. این پژوهش علاوه بر بررسی نحوه گفتگوی ادبی-اندیشگانی و تعامل بینامتنی آنها، میزان و چگونگی تاثیر قرآن کریم بر قابوس‌نامه و نقش این کتاب را در انتقال مفاهیم اسلامی به فارسی‌زبانان نشان می‌دهد.

۳. روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آموزه‌های تعلیمی-تربیتی قرآن کریم و قابوس‌نامه پرداخته، با استناد به شواهد متنی و بررسی آماری، تعامل بینامتنی آن دو در سطوح خرد و کلان و نقش محتوایی و فرمی قرآن کریم را به عنوان متن متقدم در تکوین قابوس‌نامه نشان داده است.

۴. مبانی نظری پژوهش

هیچ ابداع و کشفی بویژه در رابطه با آثار زبانی، یک‌باره و بدون پیشینه اتفاق نمی‌افتد. متون ادبی در بستری از زبان، فرهنگ و تمدن شکل می‌گیرند و همین عامل باعث اشتراکات زبانی، شکلی، معنایی و محتوایی آنها می‌شود. زبان نهادی اجتماعی است که «پایه اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز می‌باشد» (باقری، ۱۳۸۹: ۱۷) و از آنجا که زبان و اندیشه دو روی یک سکه‌اند، هر چیز که با زبان و در قالب زبان خلق شود، فارغ از تبدلات فکری و فرهنگی

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۶۷

نخواهد بود؛ از این روی می‌توان گفت که تعامل میان متون تاریخچه‌ای به قدمت حیات بشر دارد. بنابراین کلام بشر هرگز به تمامی از آن خود وی نیست؛ بلکه بسان مکالمه‌ای حامل گفته‌های پیشین است و این سرشت مکالمه‌ای متون «گواه سرشت اجتماعی، مثبت و ایجابی همه زبان‌هاست» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

در مطالعات ادبی سنتی، بیشترین تأکید بر روی ارتباط اثر ادبی با مؤلف بود و منتقدان اثر ادبی را فرآورده‌ای انسانی می‌دانستند که فرم آن ناشی از طرح قبلی نویسنده و معنایش نتیجه استفاده آگاهانه و هدفمند وی از رسانه‌ای کلامی است (Abrams & Galt Harpham, 2012: 400). با پیدایش نهضت‌های ادبی جدید، این دیدگاه دستخوش تحولی بنیادین شد. ساخت‌گرایان فرانسوی فرآورده ادبی را نه به عنوان «اثر» بلکه به عنوان «متن» و پدیده‌ای فراشخصی - که تجلی نهاد اجتماعی نوشتار است - تلقی کردند (Ibid).

۴-۱ متن در لغت و اصطلاح

آثار ادبی در بستری از زبان شکل می‌گیرند و ماده اصلی آن‌ها نشانه‌های زبانی است؛ بنابراین در ادبیات که نگارش پیچیده‌ای از نشانه‌ها بر اساس کنش نوشتن است، بیش از هر چیز «متن» یعنی بافتی متشکل از دال‌ها مورد نظر است (بارت، ۱۳۹۶: ۲۳).

متن در لغت به معانی پشت، درون یا میان چیزی، عبارات اصلی کتاب، رساله و مکتوب به کار رفته است (معین، ۱۳۸۶: ج ۱۶۲۲/۲) و در زبان‌شناسی بر پاره‌ای از زبان اعم از مکتوب یا شفاهی مانند مکالمه، حدیث نفس، آئین‌های مذهبی و ... که به قصد تحلیل و توصیف ثبت شده است، اطلاق می‌شود (Crystal, 2008: 481). امروزه در مطالعات ادبی، «عناصر معنادار، وحدت این عناصر و تجلی این وحدت» (مکاریک، ۱۳۹۳: ۲۷۲) یا به عبارت دیگر هر گونه اثر قابل تفسیر و دارای پیام اعم از آثار زبانی، هنری و ... متن تلقی می‌شود. در حقیقت متن «مجموعه‌ای از علائم است که خواننده را دعوت می‌کند تا از طریق آن‌ها معنی یک قطعه زبانی را بسازد» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

عناصر فرمی و محتوایی هر متن در بستری از فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و دیگر متن‌ها شکل می‌گیرد و شامل گفتگویی بین متن با آن‌ها و به عبارتی، بین انسان‌ها و نسل‌هاست. از این روی، متون با ارجاع و استناد به یکدیگر معنا می‌یابند و در واقع هر متنی محل تقاطع متون دیگر است (ساسانی، ۱۳۸۴: ۴۳-۴۶).

متنیت یک پدیده در گرو خوانش یا فهمی است که مخاطب از آن دارد؛ خواه آن پدیده متنی نوشتاری و تابع نشانه‌های نظام زبان باشد، خواه متنی تصویری، صوتی و ...؛ بنابراین بینامتنیت منحصر به قلمرو زبان و متون نوشتاری نیست بلکه انواع مختلف و متنوعی از متون می‌توانند به همدیگر یا انواع دیگری از متون ارجاع دهند یا با آنها دادوستد و تعامل داشته‌باشند.

۲-۴ بینامتنیت شرط متنیت یک اثر

رولان بارت (Roland Barthes) بینامتنیت را شرط متن بودن می‌دانست و به متن همچون گرهی در یک شبکه می‌نگریست (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). از نظر درسلر (Dressler) و سرل (Searle) نیز اصل هفتم از اصول متنیت یک پدیده، بینامتنیت آن است (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۸) از این رو می‌توان گفت که موجودیت یک متن و شناخت و فهم آن در گرو موجودیت متون پیشین و پسین و ارجاعات متقابل آن‌ها و شبکه کلان متنی متشکل از آن‌ها، تعیین‌کننده معنای تک تک متون و مایه تعیین آن‌هاست. با این اوصاف متن زمانی دارای معانی، تعبیر و تفاسیر متعدد می‌شود که مخاطب از ارجاعات و ارتباطات معنایی، بین متون آگاه باشد.

۳-۴ بینامتنیت

بینامتنیت به عنوان نظریه‌ای منسجم پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود اما مطالعات عملی بینامتنی، از صدها بلکه هزاران سال دیرینه و پیشینه برخوردار است. دین پژوهان غرب و عالم اسلام که مطالعه متون دینی را وجهه همت خود قرار داده‌بودند، به کشف نقش اجزا یا عناصر درون و بیرون متن و بافت موقعیتی در تعیین معانی، اغراض و تفاسیر آن می‌پرداختند. نمونه بارز این مطالعات در غرب «رسالاتی در باب انجیل یوحنا» از آگوستین قدیس (Saint Augustine) است که تحلیل موشکافانه‌ای از متن بر اساس مؤلفه‌هایی چون شناخت مؤلف، شأن نزول، فقه اللغة، معانی و بیان، نسخه شناسی و تفسیر متن با خود متن و متون خارج از آن ارائه می‌کرد (کوش، ۱۳۹۶: ۲۳ و ۲۴). در عالم اسلام و ایران نیز برخی از متکلمین، مفسران، و ادبا با اعتقاد به ارجاعات بینامتنی و کار بست آن در آثار تفسیری و تأویلی خود، با استفاده از اصطلاحات، اسامی و مفاهیم گوناگون از قبیل تلمیح، انتحال، شأن و اسباب نزول، مقام، مقال، شیوه روایت متن در متن، احادیث، روایات نصرانیات و اسرائیلیات و ... در پی درک معانی و مفاهیم کلام الهی و جنبه‌های اعجاز آن بودند (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۲ و ۱۷۳).

بینامتنیت معلول نموده‌های مکتوب و ملفوظ نظام زبان است؛ زیرا این زبان است که ارتباط بینافردی، بیننسلی و بینفرهنگی بشر را در طول تاریخ میسر کرده، موجب دادوستد علمی، فکری، فرهنگی و ادبی بین آن‌ها شده است؛ با این اوصاف می‌توان گفت بینامتنیت عبارت است از روابط و تعامل دادوستدی بین متون که نقشی بنیادین در تکوین فرمی و محتوایی هر متن و درک و تفسیر مخاطب از آن دارد. بینامتنیت مبتنی بر این اندیشه است که متن، نظامی بسته و مستقل نیست بلکه پیوندی دوسویه با سایر متون دارد. این متون ممکن است ادبی یا غیرادبی و هم‌عصر یا غیرهم‌عصر باشند (مکاریک، ۱۳۹۳: ۷۲).

بینامتنیت از دید نظریه‌پردازان قبل از ژرار ژنت (Gerard Genette) بر همه انواع روابط بین متون اطلاق می‌شد؛ اما ژنت آن را یکی از شاخه‌های ترامتنیت به‌شمار آورد که بر اساس «حضور یک متن در متنی دیگر» (آلن، ۱۳۹۷: ۱۴۴) شکل می‌گیرد. وی اصطلاح «ترامتنیت» (Transtextuality) را بر مجموعه آن روابط اطلاق کرده، آن را به پنج دسته پیرامتنیت (paratextuality)، فرامتنیت (metatextuality)، سرمتنیت (architextuality)، بیش‌متنیت و بینامتنیت (hypertextuality) و بینامتنیت (intertextuality) تقسیم کرده است.



شکل ۱. انواع ترامتنیت

حضور مستقیم یا غیرمستقیم عنصر یا عناصری از یک متن در متنی دیگر که تأثیر و تأثر آن‌ها را تأیید کند، می‌تواند نشانه وجود رابطه بینامتنیت میان آن‌ها باشد.

۴-۴ انواع بینامتنیت

۴-۴-۱ بینامتنیت صریح

در این رابطه، «متن به شکل مستقیم و صریح از متن دیگر یاد می‌کند» (ساسانی، ۱۳۸۴: ۴۹)؛ یعنی مؤلف، عناصری از متن متقدم را در متن متأخر عیاناً نقل و گاهی با علائمی از قبیل گیومه و ... از بخش‌های دیگر متمایز می‌سازد یا آن را به دلیل آشکاری و شهرت، بدون ارجاع در اثر خود می‌گنجاند. این نوع بینامتنیت در ادب فارسی و عربی شامل نقل قول، تضمین، استشهاد، اقتباس، درج، عقد، ارسال‌المثل و ... می‌شود.

۴-۴-۲ بینامتنیت ضمنی

در این نوع بینامتنیت، فقط خواننده آشنا به مآخذ با تکیه بر نشانه‌های دلالت‌گر، می‌تواند تعامل فکری و معنایی بین متون را کشف و به فهمی بهتر و کامل‌تر نائل شود. این نوع بینامتنیت در ادب فارسی و عربی انواعی چون اشارات، تلمیحات، کنایات، ترجمه هنری، حل و ... را دربرمی‌گیرد.

۴-۴-۳ بینامتنیت پنهان

در این نوع بینامتنیت، عناصر متن پیشین، عیناً یا به صورت پنهان در متن پسین حضور می‌یابد. ترجمه عینی مطلب و درج آن بدون ارجاع و سرقات ادبی از قبیل انتقال، سلخ و ... نمونه‌های بینامتنیت پنهان در ادب فارسی و عربی به‌شمار می‌روند.

۴-۴-۵ شرایط مطالعه رابطه بینامتنی

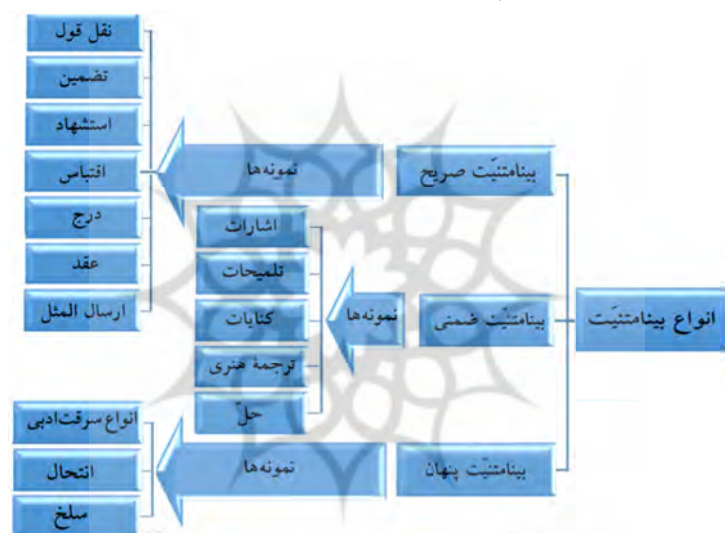
مطالعه روابط بینامتنی مستلزم شرایط زیر است:

- وجود متن‌ها و تمرکز بر روی «متنیت» آن‌ها.
- وجود قرائن و شواهد دال بر ارتباط بین متون.
- وجود رابطه هم‌حضوری بین متون (نامور مطلق، ۱۳۹۵: ۳۳ و ۳۴).

۴-۶ مراحل مطالعه رابطه بینامتنی

مطالعه روابط بینامتنی مرحله‌ای دارد که به ترتیب زیر است:

- ارائه دلایل مبتنی بر تأثیرپذیری متن.
- شناسایی، جمع‌آوری و احصاء موارد هم‌حضور و اشتراک.
- دسته‌بندی و گونه‌شناسی عناصر هم‌حضور برای تعیین میزان و نوع هم‌حضور.
- تحلیل موارد هم‌حضور از دید فرم و محتوا.
- تعیین رابطه کلان میان متون مورد بررسی (همان: ۳۵ - ۳۷).



شکل ۲. انواع بینامتنیت

۴-۷ نقش مخاطب در فرایند بینامتنیت

متن نوشتاری به عنوان پدیده‌ای مستقل و واسطه میان فرستنده و گیرنده برای خود موجودیتی دارد که آن را فارغ از تسلط دو طرف مذکور و مصادره معنایی و مفهومی آن‌ها می‌کند؛ زیرا هر نوشتاری به فراخور ویژگی‌های زبانی، ادبی و اندیشگانی خود دارای

شکاف‌های معنایی (gaps) و ارجاعات درون‌متنی و برون‌متنی است که باعث می‌شود متن تأویل‌ها، تفسیرها و برداشت‌های گوناگونی داشته باشد.

در فرایند خوانش، مخاطب در غیاب فرستنده از تسلط تلقین‌ها و القانات معنایی و مفهومی وی بر متن آزاد است؛ اما این آزادی مطلق نیست؛ زیرا خودِ متن، به دلیل محدودیت معنایی نشانه‌های زبانی و نیز ارجاعات و تعاملاتی که با متون دیگر دارد، دامنه برداشت‌ها و تفسیرهای او را محدود و کنترل می‌کند. با وجود این خواننده‌ای که دانش متنی و دایره‌المعارفی فراوان دارد، با ارجاع به متون پیشین و پسین دامنه برداشت و درک خود را گسترش داده، به گفت‌وگویی کامل‌تر با متن نائل می‌شود و گره‌های مفهومی و ادبی آن را با توجه به روابط بینامتنی می‌گشاید و به برخی از معانی متکثر متن دست می‌یابد. از نظر اومبرتو اکو (Umberto Eco) شناخت قبلی مخاطب از ژانر، شخصیت‌ها، وضعیت‌ها، رخدادها، پی‌رنگ و عناصری از این دست، که «دائرة‌المعارف بینامتنی» او را تشکیل می‌دهد، باعث تشخیص اشارات مستقیم یا غیرمستقیم آن به متون دیگر می‌شود (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۸۰)؛ بنابراین وقتی معانی متن را خالق آن اراده نکرده باشد، مخاطبان به اقتضای حال، بافت و شرایط حاکم بر زمان و مکان مطالعه درمی‌یابند؛ این امر به معنی واژگونی سلسله مراتب زبان است (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۷).

۵. بحث و بررسی

۵-۱ قرآن کریم

فلسفه وحی عبارت است از درک و شناخت امور مجهول و راهنمایی بشر به واسطه فیض الهی در بن بست‌های عقلی. قرآن مبین نیز راهنمایی قابل اعتماد برای عقول به بن بست رسیده، در حل معضلات است (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۱۵).

این کتاب هدایت از جهت کثرت مطالب و تنوع مضامین بی‌نظیر است؛ از مطالب دینی، فلسفی، اخلاقی، علوم طبیعی، تاریخی، اجتماعی، عرفانی، سیاسی و ... در آن دیده می‌شود (بازرگان، ۱۳۵۸: ۴). حکمای قرآن‌پژوه، دلیل تسمیه قرآن را جامعیت بی‌مانند آن و بی‌نیاز کردن مخاطب از قرائت غیرقرآن دانسته، گفته‌اند: «تَسْمِيَةُ هَذَا الْكِتَابِ قُرْآنًا مِنْ بَيْنِ كُتُبِ اللَّهِ لِكَوْنِهِ جَامِعاً لِثَمَرَةِ كُتُبِهِ بَلْ لِيَجْمَعَهُ ثَمَرَةَ جَمِيعِ الْعُلُومِ كَمَا أَشَارَ تَعَالَى إِلَيْهِ بِقَوْلِهِ: «وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» [يوسف: ۱۱۱] وَ قَوْلِهِ: «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» [نحل: ۸۹]» (الراغب الأصفهانی، ۲۰۰۳: ۴۰۰). برخی از اندیشمندان این تنوع را تحت گروه‌هایی دسته‌بندی کرده، گفته‌اند: «الْقُرْآنُ عَلَى عَشْرَةِ أَحْرَفٍ: حَلَالٌ وَ حَرَامٌ وَ

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۷۳

مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ وَ عِظَةٌ وَ امْتَالٌ وَ بَشِيرٌ وَ نَذِيرٌ وَ اَخْبَارُ الْاَوَّلِينَ وَ اَخْبَارُ الْاٰخِرِينَ» (ابوحیان التوحیدی، ۱۴۱۹: ج ۱/۱۳۷). از لحاظ گستره زمانی نیز دامنه‌اش به فراخنای ازلیت و ابدیت است و از نظر مایه‌های تفکر و خردورزی، زنجیری رنگارنگ از حکمت و معرفت است (بازرگان، ۱۳۵۸: ۴). امام رضا(ع) در باب کارآیی قرآن در تمام زمان‌ها می‌فرماید: «قرآن... برای همه زمان‌ها و همه مردم نازل شده است» (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱/۳۰).

قرآن روشنگر سنت‌های الهی در زمینه تحولات اجتماعی و ظهور و افول تمدن‌های بشری است. بی تفاوتی در برابر شناخت این قانون کامل به معنای بی تفاوتی نسبت به حیات و سعادت انسانی است (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۱۶) خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «فَهَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا سُنَّةَ الْاَوَّلِينَ، فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَحْوِيْلًا» (فاطر: ۴۳).

برای شناخت حقیقت اسلام و حقانیت آن باید اساسنامه و مرامنامه تام و بی نقص آن یعنی قرآن را بشناسیم. پیامبر(ص) فرمود: «القرآنُ اَصْلُ عِلْمِ الشَّرِيْعَةِ، نَصُّهُ وَ دَلِيْلُهُ وَ الْحِكْمَةُ بِيَانُ رِسُوْلِ اللّٰهِ» (الماوردی: ۱۴۲۵: ۸۷). درباره فلسفه آغاز سوره الرحمن با تعلیم قرآن و سپس آفرینش انسان و آموختن بیان گفته‌اند: آمدن «خَلْقَ الْاِنْسَانِ» و «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» پس از «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» به این دلیل است که خداوند با تعلیم قرآن به انسان و تخصص یافتن او در این باب وی را به مرتبه انسانیت نائل و سپس بیان حقیقی ویژه انسان را به او عطا کرده است (الراغب الإصفهانی، ۱۴۰۸: ۱۵۰). شناخت قرآن به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آن در تکوین سرنوشت جوامع اسلامی و انسانی ضروری است (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱/۹). این مصحف گران‌قدر اصول اعتقادی، اجتماعی، تربیتی، خانوادگی و ... را که برای سعادت انسان ضروری است، بیان کرده است. به همین دلیل استفاده از هر منبع دیگری موقوف به شناخت قبلی قرآن است و قرآن معیار همه منابع دیگر است (همان: ۱۰). با این همه شناخت دقیق و کامل قرآن با استعانت از بخش‌های مختلف آن به عنوان متنی یکپارچه و نظام‌مند میسر می‌شود و بررسی آیه‌ای از آن به صورتی مجزا و بدون اتکا به سایر آیات شیوه‌ای ناکارآمد محسوب می‌شود.

۵-۱-۱ ویژگی‌های زبانی، ادبی و سبکی قرآن

۵-۱-۱-۱ فصاحت و بلاغت قرآن و پیامبر

یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن فصاحت و بلاغت آن است که در اقل کلام، احسن و اکمل معنا را منتقل می‌کند و هر که بخواهد ایجازی اعجازگونه در کلام خویش داشته باشد، ناگزیر از

انس با قرآن کریم و غور و تأمل در آن است. «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْرِفَ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَ يَتَنَبَّهُ عَلَى فَضْلِ الإِعْجَازِ وَ الإِخْتِصَارِ وَ يُحِيطَ بِبِلَاغَةِ الإِيمَاءِ وَ يُفْطِنَ لِكِفَايَةِ الإِيجَازِ فَلْيَتَدَبَّرِ الْقُرْآنَ وَ لِيَتَأَمَّلْ عُلُوَّهُ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ» (الثعالبي، بی تا: ۱۰).

قرآن کریم به زبان عربی مبین (شعرا: ۱۹۵) نازل شده است. و این روشنگری از مختصات مهم بیانی و محتوایی آن و لازمه یک کتاب تعلیمی جهان شمول است. همچنین واسطه و مبلّغ این کلام الهی رسولی است که از او با عنوان «أَفْصَحُ الْعَرَبِ» (الثعالبي، ۱۴۲۴: ۳۲) یاد می شود و این بلاغت علاوه بر استعداد فطری، در مکان و نحوه رشد و نمو وی ریشه دارد؛ چنان که پس از بازگشت از نزد حلیمه، عبدالمطلب با دیدن آن حضرت که در عین کودکی، جمالی ماه گونه و بلاغتی پیامبرگونه داشت با شادمانی گفت: «جَمَالٌ قُرَيْشٍ وَ فَصَاحَةٌ سَعْدٍ وَ حَلَاوَةٌ يَثْرِبٍ» (همان).

ابلاغ کلام الهی با زبان بلیغ أفصح الأنبياء و اشمال آن بر لایه ها و بطون معنایی متعدد عبارات، اشارات، لطایف و حقایق (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ۹۳) روشنی بخش و هدایت گر الهی همچنین تنوع شگرف زبانی، سبکی، فرمی و محتوایی به فراخور بافت کلامی و موضوعی از قبیل تبشیر، انذار و ... به همراه دیگر مختصات، قرآن را متنی باز و تأویل پذیر کرده است به نحوی که هر مخاطب به تناسب زمان، احوال، موقعیت و میزان دانش و نوع رویکرد می تواند به خوانش، تأویل و برداشت ویژه خویش نائل شود و این امر نه تنها گردی بر دامن این کتاب خاتم ادیان وارد نمی کند، بلکه راز ماندگاری و طراوت و جذابیت آن در تمام قرون و اعصار و واسطه فیض رحمانی بین عبد و معبود بوده است؛ چنان که امیر فصاحت و بلاغت، علی (ع)، می فرماید: «ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ، ظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ» (ابو حیان التوحیدی، ۱۴۱۹: ج ۵/۱)؛ اما راه یابی به لطائف و حقایق کلام الهی و درک جوانب جمال و کمال این عروس غیبی برای هر مخاطب نامحرمی ممکن نیست (الراغب الأصفهانی، ۲۰۰۳: ۱۱)؛ زیرا «سَخْنَانٌ لَطِيفٌ اَلْهِي دَارِي بَطُونٌ مُتَعَدِدٌ وَ اَبْسْتِنَ مَعْنِي هَاي لَطِيفٌ اَسْتِ كِه اِدْرَاكِ اَنْ نِيْزَ فِقْطُ دَرِ حَيْطَةُ قَدْرَتِ وَ كِرَامَتِ اَلْهِي اَسْتِ كِه هَر كِه رَا بَخْوَاهِدِ مِي بَخْشِد» (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸).

۵-۱-۱-۲ تنوع واژگان و اصطلاحات قرآن

در باب تنوع واژگان و اصطلاحات زبانها و ادیان مختلف در قرآن باید گفت رابطه طولی قرآن با ادیان توحیدی پیشین و تمام کنندگی آن، ناگزیر از اشتراک زبانی است. همچنین مرادوات

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۷۵

بارزگانی اعراب با ایرانیان، حبشیان، رومیان و ... منجر به اخذ واژه‌های بیگانه و دخل، تصرف و تعریب آن‌ها شده‌بود. تا حدی که این واژه‌ها به صورت واژه‌های ناب عربی درآمد، در ادبیات عرب و قرآن نیز به کار رفته‌است (جفری، ۱۳۸۶: ۶۶). قرآن فقط کتاب تدبیر و عبرت نیست بلکه برای روح و عاطفه انسانی نیز مانده‌هایی دارد. این کتاب کریم «گاهی خود را کتاب تفکر و منطق و استدلال معرفی می‌کند و گاهی کتاب احساس و عشق» (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۱/۳۸۱).

۵-۱-۱-۳ نقش زبان قرآن در تکوین اصطلاحات علمی

زبان قرآن منجر به شکل‌گیری اصطلاحات فقهی، کلامی، حقوقی و ادبی مشترکی در جوامع اسلامی شده‌است. مسلمانان اعم از باسواد و بی‌سواد، کیفیت الهی آن را احساس و با آن زندگی می‌کنند. از این روی می‌توان از قرآنی شدن زبان، حافظه، فرهنگ و تمدن مسلمانان سخن گفت (شیمل، ۱۳۸۱: ۷۴).

۵-۱-۱-۴ اشمال قرآن کریم بر امثال و حکم

وعظ و تذکیر به شیوه مستقیم موجب ملال مخاطب می‌شود؛ بنابراین خطیب می‌تواند با استفاده از تنوع کلامی بویژه کاربرد امثال و حکم ذهن و روح خسته مخاطب را جلا بخشد و او را برای پذیرفتن اندیشه خویش اقناع و ترغیب کند. یکی از مختصات بارز سبکی قرآن کریم این است که «آن‌گاه که حقیقتی را ذکر می‌کند به دنبال آن ضرب‌المثلی می‌آورد، برای تقویت کشف معانی آن و اداکردن حق بیان آن» (الزمخشری: ۱۴۲۹: ج ۱/۶۶).

مثل و ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی در تأکید بر مطلب، اقناع مخاطب و ترغیب دارد که لازمه گفت‌وگو با مخاطب منکر است. همچنین از لحاظ فکری و ذهنی امثال و حکم موجب ریاضت فکر، تقویت ذهن، تحریک خیال و ارشاد و افاده عقلی می‌شوند (زرین‌کوب، ۱۳۶۳: ۷۸). علاوه بر وفور امثال و حکم در متن قرآن برخی از آیات و عبارات آن به دلیل فصاحت و بلاغت، کمال انسجام و عمق معانی نزد عرب و عجم مثل سائر شده‌است (حکمت، ۱۳۳۳: ۶۶).

۵-۱-۲ ساختار بینامتنی قرآن

وحی گفتگویی با واسطه میان خالق و مخلوق است که در آن فرستنده خداست، واسطه پیامبر و مخاطب، پیامبر و مردم. موقعیت فرانسائی فرستنده سبب شده که کلام وحی و شیوه و ساختار

بیان آن، فراتر از گفتگوی با واسطه میان انسان‌ها باشد و این امر ناشی از شرایط بافتی یا اقتضای حال حاکم بر گفتگوست (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۱۲ و ۱۱۳).

در سطح جهان متنی قرآن، مطالب بسیار گوناگون از زبان شخصیت‌های مختلفی از قبیل خداوند، پیامبران، حضرت محمد (ص) و دیگران بیان می‌شود. این تعدد، تنوع و نظم پریشان و خلاف عادت و منطق متعارف بیان، متأثر از مجموعه شرایط حاضر در فرایند تحقق وحی است و در عین پراکندگی ظاهری، انسجامی رازآمیز دارد (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۱۶)؛ کما این که در مقامی فراتر، خود قرآن نیز به عنوان تصنیف کلامی الهی با سایر پدیده‌ها به عنوان تصانیف غیرکلامی خداوند (الغزالی، ۱۴۱۹: ج ۴/۱۳۱) وحدتی ناگسستگی دارند.

قرآن هر بار بر حسب نوع، زمان و شرایط حاکم بر خوانش، حامل معناها و پیام‌های گوناگون است؛ چنان‌که گویی هزاران کتاب در یک کتاب است و این کثرت در عین وحدت، ناشی از تعاملات و روابط بینامتنی آن با دیگر متون الهی و اشتغال بر معارف گوناگون آسمانی و بشری است که منجر به خوانشی گسترده و دامنه دار از رهگذر ارجاعات بینامتنی به متون دیگر می‌شود و این امر باب تأویل را باز نگه می‌دارد. از این روی یکی از امتیازات قرآن که می‌تواند پیروان تمام ادیان را به سوی خود جلب کند و در زیر چتر هدایت خود بگیرد، همین خصوصیت بینامتنی آن «الله تعالی... جعل کتابه... مُتَضَمَّنًا ثَمَرَةَ كُتُبِهِ الَّتِي أَوْلَاهَا أَوَائِلَ الْأَمَمِ (الراغب الأصفهانی، ۲۰۰۳: ۱۱) با متون ادیان پیشین و تداوم و تکمیل آن‌هاست و ایمان به این معارف بینامتنی بر مسلمانان تکلیف «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره: ۴) و شرط تقوی، هدایت و رستگاری محسوب شده است.

یکی از جلوه‌های آشکار این بینامتنیت، حضور واژه‌ها و اصطلاحات عبری، سریانی و زبان‌های دیگر کتب آسمانی متقدم، در این کتاب آسمانی متأخر است که به تناسب بافت، موضوع و موقعیت، در قرآن آمده است (جفری، ۱۳۸۶: ۶۵). علاوه بر این اجزا و عناصر درونی قرآن نیز با هم ارتباط بینامتنی دارند. فخر رازی قرآن را مملو از ریزعنوان‌های مختلف و آیات آن را دارای پیوندهای زبانی، موضوعی و اندیشگانی گوناگون دانسته است (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۶). همچنین شرط اعتبار گونه‌ای از تفسیر به نام «تفسیر قرآن با قرآن» رجوع به تمام آیه‌های نظیره (بینامتن‌های آیه مورد نظر) است. به عبارت دیگر متن خود را تفسیر می‌کند (همان: ۱۷۵). به اعتقاد برخی نویسندگان قرآن را دارای ساختاری آفتاب‌گونه است که در آن اندیشه مرکزی به صورت پنهان و آشکار وجود دارد و پیرامون آن موارد زیادی اندیشه فرعی بیان می‌شود. از این روی قرآن دارای بینامتنیتی پویا است (همان: ۱۷۶).

۵-۱-۳ کارکرد بینامتنی قرآن در ادب فارسی و عربی

در سایه اتحاد و فرهنگ و تمدن مشترک اسلامی شعرای عرب و عجم که با وجود اختلاف زبان، همگی در مدارس اسلامی درس می‌خواندند، الفاظ، اصطلاحات، تعبیرات، تشبیهات و مضامین مشترکی را در اشعار خود به کار می‌بردند (محقق، ۱۳۷۴: ۳۶). یکی از مهم‌ترین دلایل این اشتراک، نقش قرآن کریم در تکوین تمدن اسلامی و محوریت آن در مدارس دینی بود و این کتاب کریم معیاری برای سنجش سخن فصیح و بلیغ بود. ساختار بیانی قرآن و تداوم طراوت و تازگی آن در فرهنگ و جامعه اسلامی، آن را نمونه‌ای آرمانی برای همه سخن‌گویان قرار می‌داد (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۲۸) و آنان می‌کوشیدند تا کلام خود را به معانی، مضامین، الفاظ و ترکیبات آن که «لُبُّ كَلَامِ الْعَرَبِ وَ زُبْدَتُهُ وَ وَاسِطَتُهُ وَ كَرَائِمُهُ وَ عَلَيْهَا اعْتِمَادُ الْفُقَهَاءِ وَ الْحُكَمَاءِ فِي أَحْكَامِهِمْ وَ حِكْمِهِمْ وَ إِلَيْهَا مَفْرَعُ حُدَاقِ الشُّعْرَاءِ وَ الْبُلْغَاءِ فِي نَظْمِهِمْ (الراغب الأصفهانی، ۲۰۰۳: ۱۲) بود بیارایند؛ بدین ترتیب قرآن با رسوخ زبانی، فرمی و اندیشگانی، نقشی محوری و کانونی در پیوند متون ادبی مسلمانان و شکل‌گیری شبکه کلان بینامتنی و تداعی‌های بی‌پایان داشته است به نحوی که خواننده از راه کلمات، تصاویر و محتوای بعضی ابیات، به مفاهیم مشابه در سایر آثار منتقل می‌شود (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۱۳۴). بنابراین فهم لطایف ذوقی، عقلی و فلسفی گویندگان، نویسندگان و اندیشمندان ایرانی و اسلامی در گرو شناخت قرآن است (حلبی، ۱۳۷۳: ۹).

در ادبیات فارسی استفاده از معانی و مضامین قرآنی به صورت پیدا و ناپیدا به گستردگی به چشم می‌خورد (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۲۷)؛ آثار شاعران و نویسندگان ادب فارسی دانسته یا نادانسته به واژه، عبارت، آیه یا مضمونی از قرآن به صورت «اشاره»، «تلمیح»، «اقتباس»، «تضمین»، «تحلیل آیات»، «قصص» و... زینت گرفته است (حلبی، ۱۳۸۵: ۱۱ و ۱۲). در قرن پنجم هجری از دوران درخشان تمدن اسلامی است که در آن آثار تلاقی فرهنگ‌های مختلف و کوشش دانشمندان مسلمان در توسعه زبان عربی و علوم قرآنی نمایان می‌شود (محقق، ۱۳۷۴: ۱). در این قرن ادبا و شعرای ادب فارسی «از آیات قرآن برای بیان مقصود یا دلنشین ساختن سخن خود بهره‌برداری کردند (همان: ۲) از میان متون برجسته نثر فارسی در این دوره و در همه ادوار می‌توان قابوس‌نامه عنصرالمعالی را یکی از درخشان‌ترین آن‌ها در استفاده همه‌جانبه از قرآن و انتقال آن به متون نظم و نثر پس خود دانست و رسانه‌ای کارآمد در شبکه بینامتنی متون ادب فارسی دانست.

۶. عنصرالمعالی و قابوس نامه

حکیم عنصرالمعالی از ادبای جامع‌الاطراف نثر پارسی است که موضوعات گوناگون سیاسی، اجتماعی، حقوقی، مردم‌شناختی، فنی، ادبی، تربیتی و ... را در قابوس‌نامه درج و فصول چهل و چهارگانه آن را بر این اساس تبویب کرده‌است. بخش اعظم موضوعات اجتماعی آن «در آداب معاشرت و رسوم دوستی و الفت و ترتیب زندگانی و کسب فضائل و تهذیب خصائل است» (رضازاده شفق، ۱۳۶۹: ۲۳۶). احاطه عنصرالمعالی بر اسرار و دقایق پیشه‌های گوناگون، وسعت دامنه کنجکاو و ظرفیت نامحدود ادراک وی را نشان می‌دهد (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۲۰). گستره شگرف این معلومات به همراه زبان و سبک ساده و جذابش، قابوس‌نامه را به دایرةالمعارفی جامع و دستورنامه‌ای عملی برای تربیت نسل‌های آینده تبدیل کرده‌است.

کاربرد بایسته تشبیهات، استعارات، تعابیر، تمثیلات، اشعار و امثال و حکم در قابوس‌نامه علاوه بر کارکرد فکری، بیانی و بلاغی، نشان دهنده توجه مؤلف به ظرفیت ادراک مخاطب و ضرورت صورت‌بندی بلاغی موضوعات است که با درهم تنیدن بلاغت متکلم، موضوع و مخاطب، بلاغتی یکپارچه و همه‌سویه پدید آورده‌است.

عنصرالمعالی به عنوان ادیبی صاحب‌نظر در حوزه نثر، استفاده از مفاهیم، موضوعات، زبان و بیان قرآنی را برای تبیین مطلب و افزودن ادبیت متن به طالبان و متعلمان هنر نویسندگی توصیه کرده «نامه خود را به استعارت و آیات قرآن و اخبار رسول علیه‌السلام آراسته دار» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۰۸)، این وام‌گیری فرمی و محتوایی را به صورت‌های گوناگون در پیکره قابوس‌نامه نشان داده‌است.

۷. داده‌ها (شواهد) بینامتنیت قرآن و قابوس نامه

- «گفته‌اند: که بر گوینده جز گفتار نیست» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۴).

قرآن کریم: «وَمَا عَلَيَّ الرَّسُولُ إِلَّا الْبَلَاغُ» (مائده: ۹۹؛ نور: ۵۴؛ عنکبوت: ۱۸).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «درنگر بدین جهان تا زینت او و بر او ببینی از نبات و حیوان و خورشها و پرورشها و پوشیدنی و انواع خوبی که همه زینتی است از موجب حکمت پدیدکرده چنان‌که در

تحلیل بینامتنی بازناب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۷۹

محکم تنزیل خود همی گوید: وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْيُنٍ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ [دخان: ۳۸ و ۳۹] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۴).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «چون روزی ده بی‌عیب بود، روزی خوار را بی‌دانش نگذاشت؛ چنان‌که اندر کتاب خویش یادکرد: وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» [ذاریات: ۲۲] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۴).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «زهار ای پسر که اندر نماز سبکی و استهزا نکنی بر ناتمامی رکوع و سجود و مطایبه اندر نماز، که این عادت، هلاک دین و دنیا بود» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۸).

قرآن کریم: «وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون: ۴ و ۵).

نوع بینامتنیت: ضمنی (اشاره)

- «درویش اگر قصد حج کند، خود را در تهلکه افکنده باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۱).

نیز «درویشان را گفت: وَ لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» [بقره: ۱۹۲] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۲).

نوع بینامتنیت عبارت نخست: ضمنی (تلمیح)

نوع بینامتنیت عبارت دوم: صریح (نقل قول)

- «خدای تعالی حجّ، توانگران را فرمود... هر کس که استطاعت دارد و به استطاعت حج کند، همچنان باشد که دادِ نعمت داده باشد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۲).

قرآن کریم: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران: ۹۷).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «حق پدر و مادر بشناس که حق شناختن پدر و مادر هم از فرمان خدای تعالی است» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۳).

قرآن کریم: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (اسراء: ۲۳).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

- «کمتر حرمت پدر و مادر آن است که هر دو واسطه‌اند میان تو و آفریدگار تو، پس چندان که آفریدگار خود را و خود را حرمت داری، واسطه را نیز در خور او بباید داشت و آن فرزند که مادام خرد رهنمون او بود از حق و مهر مادر و پدر خالی نباشد و خدای تعالی همی گوید در محکم تنزیل خود: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ [نساء: ۵۹] این آیت را تفسیر کرده‌اند از چند روی و یک روایت چنین خوانده‌ام که: *أُولِي الْأَمْرِ* پدر و مادرند» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۴ و ۲۵).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

به نظر می‌رسد این برداشت عنصرالمعالی و حمل آن بر مورد خاص (پدر و مادر) تفسیر بینامتنی و بیناقرآنی آیه فوق با استعانت از آیه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» باشد که در آن ولایت و اولویت پیامبر و خاندان او بر دیگران و سپس ولایت و اولویت بزرگان خانواده بر سایرین ذکر شده‌است.

- «زینهار ای پسر که رنج مادر و پدر، خوار نداری که آفریدگار به حق مادر و پدر، بسیار همی گیرد و خدای تعالی همی گوید: فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا [اسراء: ۲۳]» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۵).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «نگر که از بهر میراث، مرگ پدر نخواهی که بی مرگ پدر آنچه روزی تو باشد به تو رسد که روزی مقسوم است؛ به هر کس آن رسد که در ازل قسمت کرده شده است» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۶).

قرآن کریم: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (زخرف: ۳۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

- «داد ده تا داد یابی» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۹).

قرآن کریم: «الَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ» (الرحمن: ۸).

نوع بینامتنیت: ضمنی (اشاره)

در تفسیر این آیه گفته‌اند: «إِعْدِلْ يَا بْنَ آدَمَ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُعْدَلَ عَلَيْكَ» (مبیدی، ۱۳۸۲: ج ۴۰۸/۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۳۴: ج ۲۸۹/۹؛ الغزالی، ۱۳۶۷: ۱۰۵).

تحلیل بینامتنی بازناب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۸۱

- «بر نیک کرده پشیمان مباش که جزای نیک و بد هم اندر این جهان به تو رسد»
(عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۹). نیز «مکافات نیک و بد هم بدین جهان می‌بایی»
(عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۳۰).

قرآن کریم: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷ و ۸).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

قرآن کریم: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن: ۶۰).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

- «از بهر نیک و بد زود شاد و اندوهگین مباش» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۳۲).
قرآن کریم: «لَا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید: ۳۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «با عاقلان و دوستان مشفق مشورت کن که ... گفت سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ: وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» [آل عمران: ۱۵۹] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۳۹ و ۴۰).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «پند حکما و ملوک شنیدن، دیده خرد را روشن کند که توتیای چشم خرد حکمت است»
(عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۴۹).

قرآن کریم: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره: ۲۶۹).

نوع بینامتنیت: ضمنی (اشاره)

- «از ایزد تعالی توفیق توبه همی خواه و بر کردار خویش پشیمان همی باش، مگر توفیق توبه دهد و توبه نصوح ارزانی دارد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۶۷).

قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (تحریم: ۸).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «ایزد تعالی شب را از بهر خواب و آسایش بندگان آفرید و روز را از بهر معیشت و تحصیل اسباب معیشت، آن چنان که گفت: وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا» [نبأ: ۱۰ و ۱۱] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۹۱).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «همه راحت جانوران در خواب است» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۹۲).

قرآن کریم: «وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا» (نبأ: ۹).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «هر که زاد بمیرد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۵۷). نیز «هر که بزاید، روزی بمیرد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

قرآن کریم: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» (آل عمران: ۱۸۵؛ انبیاء: ۳۵؛ عنکبوت: ۵۷).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

قرآن کریم: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

قرآن کریم: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (الرحمن: ۲۶).

نوع بینامتنیت: پنهان (ترجمه عینی)

- «اسراف را شوم دان و هر چه خدای تعالی آن را دشمن دارد، آن بر بندگان خدای تعالی شوم بود و خدای تعالی همی گوید: وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» [أنعام: ۱۴۱؛ اعراف: ۳۱] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۴).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «اگر کسی به نزد تو امانتی بنهد... امانت به سلامت به وی بازسانی، چنان که خدای تعالی فرموده است: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» [نساء: ۵۸] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلالت) ۸۳

- «اگر به کسی ودیعتی نهی، پنهان منه، که نه کسی چیز تو از وی بخواهد سِتَد. بی دو گوی عدل، چیز خویش به نزد هیچ کس ودیعت منه و بدان چه دهم، حجتی از وی بستان تا از داوری رسته باشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلْيَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ» (بقره: ۲۸۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

- «مردم چون از عدم به وجود آید خلق و سرشت وی با او باشد... هر چند بزرگ تر همی شود و جسم و روح وی قوی تر همی شود، فعل وی پیدا همی گردد، نیک و بد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

قرآن کریم: «كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «و اگر فرمانبردار باشی، در آن فرمان شریک و انباز مخواه تا در آن کار باخلل و تقصیر نباشی» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۵۱).

قرآن کریم: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (الانبیاء: ۲۲).

نوع بینامتنیت: ضمنی (اشاره)

- «به هر گناهی ای پسر مردم را مستوجب عقوبت مدان و اگر کسی گناهی کند از خویشتن اندر دل عذر گناه او بخواه که او آدمی است و نخستین گناهی آدم کرد، چنان که من گویم:

جانا به یکی گناه از بنده مگرد من آدمی ام گنه نخست آدم کرد»

(عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۵۲)

قرآن کریم: «وَ عَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ» (طه: ۱۲۱).

نوع بینامتنیت: پنهان (ترجمه عینی)

- «اگر به خدای تعالی حاجت نبود، هیچ کس روی سوی عبادت خدای تعالی نکردی. و چون اجابت یابی به هر جای از آن شکری بگویی که خدای عزّ وجلّ می گوید: لئن شکرتم لأزیدنکم» [ابراهیم: ۷] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۱۵۵).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

- «کسی بی اجل نمیرد، و لکن کسی را تا اجل نیامده باشد، به تابستان به بردع نرود» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۰۰).

قرآن کریم: «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف: ۳۴؛ یونس: ۴۹).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

قرآن کریم: «مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (حجر: ۵؛ مؤمنون: ۴۳).

نوع بینامتنیت: ضمنی (ترجمه هنری)

- «نبید مخور که از نبید خوردن غفلت و رعونت خیزد» (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

قرآن کریم: «أَتَمَّا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يُصَدِّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ» (مائده: ۹۱).

نوع بینامتنیت: ضمنی (تلمیح)

- «استاد من رحمة الله گفتمی که: مرد باید که پیش تأثیر فلک دایم گردن کشیده دارد و دهان باز کرده تا اگر از فلک قفائی رسد به گردن بگیرد و اگر لقمه‌ای رسد به دهان بگیرد، چنان که خدای تعالی یاد کرد. فخذ ما آتیته فکن من الشاکرین» [اعراف: ۱۴۱] (عنصرالمعالی، ۱۳۸۰: ۲۶۱).

نوع بینامتنیت: صریح (نقل قول)

۸. نتیجه گیری

رابطه بینامتنی قابوسنامه و قرآن کریم در سه سطح محتوایی، ادبی-سبکی و زبانی قابل تبیین است:

۸-۱) بینامتنیت محتوایی

- التزام قلبی، زبانی و عملی عنصرالمعالی به اسلام و قرآن کریم به عنوان فقیهی حکیم، در رسوخ و تظاهر بینامتنی موازین و مفاهیم اساسی آن‌ها از قبیل توحید، نبوت، معاد، عدل، شکر، نماز، روزه، حج، زکات، اهمیت فقه، پیروی از اولی‌الأمر، امانت‌داری، حقوق خانواده، ازدواج، آداب معاشرت و ... در جای جای قابوسنامه مشهود است. وی به فراخور باب، موضوع و مطلب به نحو شایسته‌ای در راستای تحقق تعلیم و تربیت اسلامی از آن‌ها استفاده کرده‌است.

- عنصرالمعالی با تأسی از قرآن کریم و اخذ آموزه‌ها و دستورالعمل‌های آن کتاب و برنامه جامع، در رفع نیازهای جسمی، روحی، فکری و ... انسان کوشیده و در کتاب خویش در حد توان به آن‌ها پرداخته‌است.

- از لحاظ موضوعی بسامد بینامتنیت پندهای قابوسنامه و آیات قرآن کریم به ترتیب بدین قرار است: ۱- پندهای اعتقادی (۱۶مورد) ۲- پندهای اجتماعی (۱۲مورد)، ۳- پندهای اقتصادی (۳مورد). این امر نشان دهنده التزام و اعتقاد قلبی و زبانی مؤلف به این کتاب الهی و آموزه‌های اجتماعی آن و پیوند ناگسستنی مسائل اعتقادی و اجتماعی است.

- در یک تقسیم‌بندی جزئی‌تر بسامد رسوخ و حضور موضوعات متنوع قرآنی در قابوس‌نامه بدین قرارند: ۱- حقوق والدین (۴مورد) ۲- حکمت آفرینش (۳مورد) ۳. رزاقیت خداوند (۲مورد) ۴- امانت‌داری (۲مورد) ۵- شرایط حج (۲مورد) ۶- عدالت (۲مورد) ۷- اعتقاد به مرگ (۲مورد) ۸- مشورت (۱مورد) ۹- توفیق توبه (۱مورد) ۱۰. فطرت آدمی (۱مورد) ۱۱- اهمیت پند و حکمت (۱مورد) ۱۲- مذمت شراب (۱مورد) ۱۳- مذمت اسراف (۱مورد) ۱۴- رضا (۱مورد) ۱۵- گذشت (۱مورد) ۱۶- مذمت مدیریت اشتراکی (۱مورد) ۱۷- شکر بر نعمت (۱مورد) ۱۸- اهمیت نماز (۱مورد).

۸-۲) بینامتنیت ادبی-سبکی

- استفاده از آیات قرآن کریم به عنوان منابع فکری، عناصر ادبی و حجت‌های خطابی برای تعلیم و تربیت و اقناع و ترعیب مخاطب، از ویژگی‌های بارز قابوس‌نامه است. این امر که علاوه بر اعتقادات دینی، مخاطب‌شناسی، دانش ادبی و تربیتی وی ناشی از تداوم سبک تعلیمی قرآن کریم است از رازهای محبوبیت و مقبولیت آن است.

- امثال و حکم و تمثیل داستانی که در آیین سخنوری از مواضع حجّت‌های خطابی به‌شمار می‌آیند در قابوسنامه فراوان است که نشان‌دهنده تأثیرپذیری این کتاب از سبک داستان‌پردازی و تمثیلات قرآن در اقناع مخاطب و احتجاج و استدلال برای ارشاد و هدایت اوست. بسامد انواع استفاده بینامتنی قابوس‌نامه از قرآن کریم بدین قرار است: اخذ اندیشه، مضمون و مطلب (۱۹ مورد)، استفاد از آیات قرآن کریم برای اقناع و احتجاج (۷ مورد)، استناد (۲ مورد) و هشدار (۱ مورد).

۸-۳ بینامتنیت زبانی

- بسامد بالای نقل مستقیم آیات قرآن کریم و استفاده از عناصر واژگانی آن، علاوه بر کارکرد ادبی (تعالی متن)، در ارجاع مخاطب از متن متأخر به متن متقدم، نقش نشانه‌های بینامتنی را ایفا و رمزگشایی از رابطه تلمیحی یا اشاره‌ای و ... دو متن را میسر می‌کند.

- بسامد بالای انواع بینامتنیت، ضمنی و صریح قابوس‌نامه با قرآن کریم نشان‌گر اهمیت ادبی و اعجاز کلامی قرآن کریم در نگره عنصر المعالی، انس وی با این مصحف شریف و التزام عملی‌اش به دستورنامه دبیری خویش در آراستن کلام به آیات قرآنی است.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، (۱۳۷۶). ترجمه محی الدین مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۱، تهران: فیض کاشانی.
- آلن، گراهام، (۱۳۸۵). رولان بارت، ترجمه پیام یزدان‌جو، چ ۱، تهران: مرکز.
- آلن، گراهام، (۱۳۹۷). بینامتنیت، ترجمه پیام یزدان‌جو، چ ۶، تهران: مرکز.
- ابوحیان‌التوحیدی، علی، (۱۴۱۹). البصائر و الذخائر، تحقیق و داد القاضی، ط ۴، بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح‌رازی، حسین، (۱۳۳۴). تفسیر (روض الجنان و روح الجنان)، تصحیح مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۳، تهران: علمی.
- اسعدی، مریم‌السادات، (۱۳۸۷). «بررسی و تحلیل نوع خانواده و ارکان آن در قابوس‌نامه با عنایت به دیدگاه‌های اسلام و نظرات جامعه‌شناسان»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، س ۷، ش ۲۵، صص ۷-۲۶.
- ایگلتون، تری، (۱۳۸۰). پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، چ ۲، تهران: مرکز.
- بارت، رولان، (۱۳۹۶). نشانه‌شناسی ادبی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: فرهنگ جاوید.
- بازرگان، مهدی، (۱۳۵۸). سیر تحول قرآن، به اهتمام سیدمحمد مهدی جعفری، چ ۳، تهران: قلم.

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلال) ۸۷

- باقری، مه‌ری، (۱۳۸۹). *مقدمات زبان‌شناسی*، چ ۱۳، تهران: قطره.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۴). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، چ ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۰). *در سایه آفتاب*، چ ۱، تهران: سخن.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۲). *گمشده لب دریا*، چ ۱، تهران: سخن.
- الثعالبی، عبدالملک، (بی‌تا). *الإعجاز و الإیجاز، مقدمة اسکندر آصاف*، ط ۱، بیروت: دار صادر.
- الثعالبی، عبدالملک، (۲۰۰۳). *التمثیل و المحاضرة، تحقیق قُصی الحسین*، ط ۱، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- الثعالبی، عبدالملک، (۱۴۲۴). *ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط ۱، بیروت: المکتبه العصریة.
- جفری، آرتور، (۱۳۸۶). *واژه‌های دخیل در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، چ ۲، تهران: توس.
- حسینی، سید محمدباقر، (۱۳۹۵). «امکان تسمیه قرآن به «متن» بر اساس تعریف نوین در نظریه‌های نقد ادبی»، *دوفصل‌نامه کتاب‌قیم*، س ۶، ش ۱۴، صص ۸۹-۱۱۱.
- حکمت، علی‌اصغر، (۱۳۳۳). *امثال قرآن*، چ ۱، تهران: مجلس.
- حلبی، علی‌اصغر، (۱۳۷۳). *آشنایی با علوم قرآنی*، چ ۳، تهران: اساطیر.
- حلبی، علی‌اصغر، (۱۳۸۵). *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، چ ۸، تهران: اساطیر.
- حدیدی، جواد، (۱۳۷۴). *اسلام از نظر ولتر*، چ ۵، تهران: نشر دانشگاهی.
- دانش، ابراهیم و طوسی نصرآبادی، محمدرضا، (۱۴۰۰). «بررسی مؤلفه‌های ادب‌زبانی در قابوس‌نامه بر اساس نظریه براون و لوینسون»، *دوفصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی*، س ۲۹، ش ۹۱، صص ۱۲۹-۱۵۳.
- الرأغب الإصفهانی، حسین، (۲۰۰۳). *المفردات فی غریب القرآن*، راجعه و قدم له وائل احمد عبدالرحمن، ط ۱، قاهره: مکتبه التوفیقیة.
- الرأغب الإصفهانی، حسین، (۱۴۰۸). *تفصیل النشأتین و تحصیل السعادتین*، تحقیق عبدالمجید النجار، ط ۱، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- رضازاده شفق، صادق، (۱۳۶۹). *تاریخ ادبیات ایران*، چ ۱، تهران: آهنگ.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳). *شعر بی‌دروغ، شعر بی‌تقاب*، چ ۴، تهران: جاویدان.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۵). *از گذشته ادبی ایران*، چ ۳، تهران: سخن.
- الزّمخشری، محمود، (۱۴۲۹). *الکشف*، تحقیق ابی‌عبدالله الدانی بن منیر آل زهوی، ط ۱، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۳). «بینامتنیت: پیشینه و پسینه نقد بینامتنی» *مجله بیناب*، ش ۵ و ۶، صص ۱۷۲-۱۸۵.

- ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۴). «تأثیر روابط بینامتنی در خوانش متن»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، س ۱، ش ۲، صص ۳۹-۵۴.
- السبوی، جلال‌الدین، (۱۴۰۱). *الجامع الصغیر فی أحادیث النذیر البشیر*، ط ۱، بیروت: دارالفکر.
- الشرفی‌الرّضی، محمد، (۱۴۲۵). *نهج البلاغه*، شرح محمد عبده، تحقیق علی احمد حمود، ط ۱. بیروت: المكتبة العصریة.
- شیمیل، آن ماری، (۱۳۸۱). *ابعاد عرفانی اسلام*، ترجمه و توضیحات عبدالرحیم گواهی، چ ۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۸). *مبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، چ ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عنصرالمعالی، کیکاوس، (۱۳۸۰). *قابوس‌نامه*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چ ۱۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- الغزالی، محمد، (۱۴۱۹). *إحياء علوم الدّین*، ط ۱، حلب: دارالوعی العربی.
- عنصرالمعالی، کیکاوس، (۱۳۶۷). *نصیحة الملوک*، تصحیح جلال‌الدین همایی، چ ۴، تهران: هما.
- فهری، سیداحمد، (بی‌تا). *پرواز در ملکوت*، چ ۲، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- کلینی، ابوجعفر، (بی‌تا). *اصول کافی*، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی، ج ۴، چ ۱، قم: علمیة اسلامیة.
- کوش، سلینا، (۱۳۹۶). *اصول و مبانی تحلیل متون ادبی*، ترجمه حسین پاینده، چ ۲، تهران: مروارید.
- کیانی، رضا، امیری، جهانگیر، نعمتی، فاروق، (۱۳۹۲). «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، س ۱، ش ۲، صص ۱-۱۸.
- فرهمند، محمد، جلال‌ت، فرامرزی، دانش، ابراهیم، (۱۳۹۶). «ذهن و زبان در نظریه ارتباطی ابویعقوب سجستانی»، *فصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۴۵، صص ۲۱-۴۳.
- الماوردی، ابوالحسن، (۱۴۲۳). *أدب اللّتیبا واللّزین*، اعتنی به محمد ابوالخیرالسید و محمدالشرفاوی، ط ۱، بیروت: مؤسسة الرسالة ناشرون.
- محقق، مهدی، (۱۳۷۴). *تحلیل اشعار ناصرخسرو*، چ ۶، تهران: دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲). *آشنایی با قرآن*، ج ۱، چ ۸، تهران: صدرا.
- معین، محمد، (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*، ج ۱، تهران: انتشارات آدنا.
- مقدّس جعفری، محمدحسن و گروسی، سعیده، (۱۳۷۶). «مفاهیم اجتماعی در قابوس‌نامه»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ش ۱، صص ۱۱۴-۱۲۷.
- مکاریک، ایرنا ریما، (۱۳۹۳). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، چ ۵، تهران: آگه.

تحلیل بینامتنی بازتاب مفاهیم و عناصر قرآنی در ... (ابراهیم دانش و فرامرز جلال) ۸۹

مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۸۱). *فیه ما فیه*، با تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، چ ۹، تهران: امیرکبیر.

میبدی، ابوالفضل، (۱۳۸۲). *کشف‌الأسرار و عُدَّة‌الایرار*، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، چ ۷، تهران: امیرکبیر.

نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۵). *بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم*، چ ۱، تهران: سخن.

نظامی عروضی، احمد بن عمر، (۱۳۳۱). *چهارمقاله*، به تصحیح محمد قزوینی، به کوشش محمد معین، چ ۱، تهران: ارمغان.

یلمه‌ها، احمدرضا و رجبی، مسلم، (۱۳۹۶). «تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، س ۵، ش ۲، صص ۳۷-۵۷.

Abrams, M. H. & Galt Harpham, G. (2012). *A Glossary of Literary terms*. Boston: Wadsworth, 10th edition.

Crystal, David, (2008), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Malden: Blackwell Publishing Ltd.

Onsorolma'ali, Kaikavus, (1951), *A Mirror For Princes(The Qabus Nama)*, translated by Reuben Levy, Bristol: J. W. Arrowsmith. Ltd.

